

یادداشت
O P I N I O N

کامل دلپند

جامعه‌شناس

توانمندسازی جامعه با کاهش دامنه فقر

فقر به‌عنوان سرچشمه تمامی آسیب‌های اجتماعی، ریشه‌ای است که در غیاب برنامه‌ای منسجم و مطالعات میدانی، زمینه رشد و گسترش ناهنجاری‌ها و جنبش‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. از منظر دینی نیز بر این نکته تأکید شده که فقر می‌تواند مسیر کفر و انحراف اخلاقی را هموار کند و این تلقی، نقش محوری آن در ایجاد بحران‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد. فقر صرفاً محدود به کمبود اقتصادی نیست؛ بلکه دامنه آن تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد و بر سلامت، آموزش، تحصیل، یادگیری و مهارت‌های انسانی سایه می‌افکند. شاخص فقر چندبعدی، که این ابعاد متنوع محرومیت را می‌سنجد، تصویری جامع‌تر از فقر ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه محرومیت‌های اقتصادی، آموزشی و مهارتی در هم تنیده شده و قابلیت‌های انسانی را محدود می‌کنند، به‌گونه‌ای که توانایی فرد برای زندگی مستقل و مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

شکست سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در کاهش مؤثر فقر، بستر شکل‌گیری تحركات اجتماعی را به‌ویژه در میان قشر محروم فراهم می‌آورد. تجربه سال‌های اخیر ایران نشان می‌دهد آثار ارمی‌های اجتماعی عمدتاً در مناطقی بروز یافته که سهم جمعیت زیر خط فقر در آن‌ها بالاتر از میانگین کشوری بوده است. این واقعیت، ارتباط مستقیم بین فقر و بی‌ثباتی اجتماعی را آشکار می‌سازد و ثابت می‌کند هیچ مسأله اجتماعی مهمی بدون تأثیر قابل تحلیل نیست. کاهش موفقیت‌آمیز دامنه فقر، نه تنها توانمندی‌های فردی و اجتماعی جامعه را ارتقا می‌دهد، بلکه توانمندسازی کشرگران محلی و تقویت سرمایه اجتماعی، بهبود شاخص‌های چندبعدی زندگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

امروز، پیامدهای فقر دیگر محدود به دهک‌های پایین درآمدی نیست و دهک‌های میانی را نیز تحت فشار شدید قرار داده است. نحوه مواجهه با این مسأله، بسته به رویکرد دولتمردان و کارشناسان متفاوت است و شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش فقر، اغلب با معیارهای مستقل تحقیقاتی تفاوت دارد. این اختلاف در تعریف و سنجش، به‌طور مستقیم بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. مفهوم فقر چندبعدی بر محرومیت از قابلیت‌های اساسی فردی و اجتماعی تمرکز دارد و بر همین اساس، اندازه‌گیری دقیق آن نیازمند انعطاف‌پذیری در سطوح ملی، منطقه‌ای و خانوار است تا بتوان خط فقر را به شکل واقعی و کاربردی ترسیم کرد و امکان تحلیل ریشه‌ای فقر و برنامه‌ریزی هدفمند فراهم شود.

اگر مبنای سیاست‌گذاری، شاخص فقر چندبعدی باشد، تمامی ابعاد زندگی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد و امکان شناسایی دقیق ریشه‌های فقر و موانع تداوم آن فراهم می‌شود. تنها از طریق چنین دیدگاه جامعی است که می‌توان برنامه‌ریزی مؤثر برای کاهش فقر را عملی کرد و امیدوار بود این ریشه‌های بسیاری از نابسانمی‌های اجتماعی، به‌تحو‌پایدار و مؤثر مدیریت شود.

مهین داوری

روزنامه نگار

قبول داشتند. آن زمان فساد و اختلاس به شکل امروزی نبود. وقتی قوه قضاییه از بابک زنجانی صحبت می‌کند، اگر مجرم بوده، چرا اکنون آزاد است؟ این‌ها پرسش‌های مردم است.»

لزوم برخورد قاطع با فساد

لزوم برخورد قاطع و عادلانه با فساد، از نگاه علی نوری، پژوهشگر اجتماعی، نقطه آغاز اصلاح نظام اجرایی کشور است. وی با اشاره به پرونده‌های بزرگ فساد مالی تأکید کرد: «اگر فردی مجرم است، باید قاطعانه با قوه قهریه برخورد شود و اموالش توقیف گردد؛ اگر مجرم نبوده، قوه قضاییه حق ندارد آپروی ملت را مخدوش کند.» او هشدار داد که سبک فعلی برخورد، نه تنها در قوه قضاییه، بلکه در سایر حوزه‌های اجرایی نیز نشانه مشکلات ساختاری و عمیق است و این نمونه‌ها تنها یکی دومورد نیستند.

نوری زنجیره پیامدهای فساد را چنین تشریح کرد: «فساد اداری و مالی منابع ملی را هدر می‌دهد، کسری بودجه ایجاد می‌کند، تولید را با مانع مواجه می‌سازد، بیکاری را تشدید و در نهایت آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و جرم را افزایش می‌دهد.» او افزود: «آیا سخت است که فهم کنیم مشکل اصلی مردم چیست؟ این معضل روشن است و دولت و حاکمیت باید آن را درک کرده و اصلاحات جدی و شفاف را آغاز کنند.»

سیاست‌های تشویقی ناکارآمد

علی نوری، پژوهشگر اجتماعی، سیاست‌های فعلی تشویق فرزندآوری را ناکارآمد و همراه کننده دانست و تأکید کرد: «راهکار این نیست که صرفاً بودجه کنترل طلاق یا افزایش ازدواج را افزایش دهیم. پرداخت ۲ میلیون تومان به مادر یا خودرو بدون قرعه‌کشی برای فرزندآوری، جامعه هدف را منحرف می‌کند. کسی که تنها با این مبلغ تحریک به فرزندآوری می‌شود، خود به عامل آسیب تبدیل می‌شود.» او افزود: «جامعه هدف باید کسانی باشند که شغل و درآمد دارند اما امکانات کافی برای فرزندپروری ندارند. به آن‌ها پرستار رایگان یا مهد کودک رایگان ارائه دهید. این سیاست‌های فعلی توهین به شعور مردم و هدررفت منابع است.»

نوری به ریشه‌های اقتصادی بحران اشاره کرد و گفت: «وقتی سرمایه مردم به سمت خرید طلا و دلار می‌رود و از تولید فراری است، نتیجه رکود، گرانی و کاهش تولید خواهد بود. سیستم اقتصادی باید سرمایه را به سمت تولید هدایت کند و مسکن و خودرو نباید کالای سرمایه‌ای باشند. اینکه برای ۱۰۰ هزار خودرو، ۶ میلیون نفر ثبت‌نام می‌کنند، نشانه بیماری شدید اقتصادی و نزدیک بودن به فروپاشی است.»

او در تبیین راه‌حل‌های اساسی افزود: «اصلاح نظام تصمیم‌سازی و ایجاد برنامه مشخص برای شایسته‌سالاری، اولین قدم است. ابتدا باید با فساد اداری و سپس با فساد مالی مقابله شود.» نوری ادامه داد: «چرا این همه متخصص در جای درست به کار گرفته نمی‌شوند؟ باید به مرجعیت علم بازگردیم و در برنامه‌ای بلندمدت کارگروه‌های تخصصی برای شناسایی ایرادات نظام تصمیم‌گیری تشکیل شود. راه‌حل‌های مقطعی و مسکنی فایده‌ای ندارد. تا زمانی که زمینه‌های فساد بررسی و درمان نشود، فساد روزبه‌روز عمیق‌تر خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی تشدید می‌شوند.»

که عملکرد جزیره‌ای نهادها، اقدامات را ابتر می‌سازد و تنها هماهنگی و پیوستگی می‌تواند اثربخشی واقعی ایجاد کند. امنیت روانی و محیطی نیز از عوامل کلیدی کاهش آسیب‌هاست و نیازمند راهکارهای عملی برای حذف عوامل تنش‌زا در خانواده و جامعه است. او با اشاره به نقش شبکه‌های اجتماعی، بر ضرورت تخصصی شدن فعالیت رسانه‌ها در گزارش‌دهی تأکید دارد تا اطلاع‌رسانی دقیق، قابل اعتماد و کم‌ضرر برای جامعه صورت گیرد. عبور از آسیب‌های اجتماعی، فراتر از اقدامات مقطعی است و نیازمند نگاه سیستمی، برنامه‌ریزی بلندمدت و مشارکت جمعی است. تنها در این صورت می‌توان جامعه‌ای سالم، تاب‌آور و پیشرو شکل داد و شهروندانی مسئول، فعال و مشارکت‌پذیر پرورش داد که خود در کاهش آسیب‌ها نقش داشته باشند و مشارکت آنان موجب استحکام پیوندهای اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی در سطح محلی و ملی شود.



عکس: استار و کاظمی

بیکاری و فقر— حل نشود، صرف بودجه و برنامه برای آسیب‌های اجتماعی تنها اوضاع را بدتر می‌کند.» او افزود: «اگر نظام تصمیم‌سازی اصلاح شود و فساد اداری و مالی کاهش یابد، خود به خود مسأله بیکاری حل می‌شود و در پی آن، اعتیاد، طلاق و جرم به طور محسوسی کاهش می‌یابد.»

نوری با استناد به آمار نیروی انتظامی، رابطه مستقیمی بین افزایش فقر و بیکاری با رشد جرائم خرد مانند سرقت‌های کوچک، کیف‌چاپی و حتی دزدی تجهیزات شهری و پل‌های فلزی ترسیم کرد و توضیح داد: «وقتی مسأله فقر و بیکاری حل نمی‌شود، باید منتظر افزایش آسیب‌ها باشیم.» او تأکید کرد که جامعه‌شناسی و اقتصاد علوم دقیقی هستند که باید راهنمای تصمیم‌گیرندگان باشند و افزود: «آدم‌اجرابی دانشمند نیست، اما تصمیم‌ساز باید باور داشته باشد که جامعه‌شناس و اقتصاددان راهکار دقیق خود را دارند و باید از دانش تولیدشده بهره‌برد.» این پژوهشگر ادامه داد که ممکن است هدف صرفاً تخصیص بودجه و بهره‌مندی عده‌ای از منابع باشد و نه حل واقعی آسیب‌ها. وی وضعیت کنونی را «شرایط بحرانی» توصیف کرد و پیشنهاد داد: «اقدام عاجل و کم‌هزینه، فراهم کردن امکان گفت‌وگو و مشارکت واقعی مردم است. آن‌هایی که اعتراض دارند، تروریست نیستند، باید مشکلاتشان را بشنویم و برای آن‌ها تریبون ایجاد کنیم.» نوری افزود: «پس از ایجاد فضای گفت‌وگو، دولت باید از علم اجتماعی برای اصلاح ساختارها و حذف فساد اداری و مالی بهره‌برد. ساختارهای فسادزا باید شناسایی و اصلاح شوند. بزرگ‌عاملی که دولت را پایدار نگه می‌دارد، یا مردم به عنوان سرمایه اصلی هستند یا حامی خارجی قدرتمند.»

او تأکید کرد: «اگر هر دو از دست برود، حکومت‌داری ممکن نخواهد بود. مردم زمانی می‌مانند که حاکمان را بپذیرند؛ مانند دهه ۶۰ که با وجود فقر، مردم حکومت را

نتیجه این روند، رکود اقتصادی و بیکاری گسترده است و فقر، به نوبه خود، محرک افزایش اعتیاد، طلاق، جرم و دیگر معضلات اجتماعی می‌شود. نوری تأکید می‌کند که تنها اصلاح نظام تصمیم‌سازی، مبارزه با فساد اداری و مالی و ایجاد شایسته‌سالاری می‌تواند مسیر توسعه پایدار و کاهش آسیب‌های اجتماعی را هموار سازد و جامعه را از بحران‌های فزاینده نجات دهد.

عامل مشترک چالش‌های اجتماعی

علی نوری، مدرس دانشگاه و پژوهشگر اجتماعی، بیکاری گسترده در کشور را نتیجه مستقیم رکود اقتصادی دانست و به تغییر تعریف اشتغال از سوی دولت اشاره کرد: «با تعریف ناقصی مانند یک ساعت کار در هفته، افراد شاغل محاسبه می‌شوند. در حالی که نیروی جوان یا بیکار است یا در مشاغل کاذب و نامتناسب با تحصیلاتش فعالیت می‌کند.» او تأکید کرد که از هر چهار جوان، یک نفر بیکار است و حتی زنان خانه‌دار که در بسیاری از کشورها جزو جمعیت فعال محسوب شده و برای اشتغال آنان برنامه‌ریزی می‌شود، در آمار ما «غیرفعال» خوانده می‌شوند تا از شمار بیکاران کاسته شود.

نوری افزود: «بیکاری واقعی مستقیم به فقر منجر می‌شود و فرد فقیر، مستعد اعتیاد، طلاق، جرم و دیگر آسیب‌های اجتماعی است. ریشه نهایی بسیاری از معضلات اجتماعی ما، فقر و بیکاری است و ریشه این فقر و بیکاری، ناکارآمدی در نظام تصمیم‌سازی و فساد اداری و مالی است.» او با انتقاد از برنامه‌ریزی‌های صرفاً مسکنی گفت: «وقتی برای پایان زنجیره مشکلات مانند طلاق یا کاهش فرزندآوری مشوق تعیین می‌کنیم اما ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی را نادیده می‌گیریم، وضعیتی مسخره ایجاد می‌شود.»

این پژوهشگر اجتماعی تأکید کرد: «تا زمانی که مسأله اصلی—نظام تصمیم‌سازی، فساد، ناکارآمدی، رکود،

افزایش روزافزون آسیب‌های اجتماعی در ایران؛ از اعتیاد و طلاق گرفته تا جرم و فقر، دیگر پنهان نیست و مسئولان عالی کشور نیز به آن اذعان دارند. اصغر جهانگیر، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، در تازه‌ترین اظهارات خود هشدار داد که اقدامات انجام‌شده متناسب با سرعت گسترش آسیب‌ها نیست و نتوانسته موج فزاینده مشکلات اجتماعی را کنترل کند؛ وی افزود که این بحران‌ها حتی به نظام آموزش و پرورش نیز سرایت خواهد کرد و آینده نسل جوان را تهدید می‌کند. اما در پس این هشدار، علی نوری، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، علت اصلی را در ناکارآمدی نهادهای تصمیم‌ساز می‌داند و تأکید می‌کند: «تا زمانی که نظام تصمیم‌گیری اصلاح نشود، هرگونه بودجه‌ریزی صرف برای کنترل آسیب‌ها، تنها بحران را تشدید خواهد کرد.»

نوری با اشاره به تغییرات ظاهری در ساختارهای اجرایی، مانند تبدیل معاونت اجتماعی به سازمان امور اجتماعی در وزارت کشور، توضیح می‌دهد که این اصلاحات ساختاری بی‌ثمر بوده و نه تنها نتوانسته مشکلات را کاهش دهد، بلکه به افزایش طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش فرزندآوری و رشد جرم و فقر دامن زده است. او هشدار می‌دهد که فقدان شایسته‌سالاری در تصمیم‌گیری‌های کلان و غفلت از فساد اداری و مالی، زمینه را برای ناکارآمدی گسترده، سوءتخصیص منابع ملی و هدر رفت سرمایه‌های کشور فراهم می‌آورد و توسعه اقتصادی را با مانع جدی مواجه می‌کند.

این پژوهشگر اجتماعی با انتقاد از سیاست‌های صرفاً مسکنی تصریح می‌کند که اختصاص بودجه به پایان زنجیره آسیب‌ها، بدون پرداختن به ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی، نه تنها اثرگذار نیست، بلکه ممکن است وضعیت را بدتر کند. فساد مالی که از دهه ۷۰ روند صعودی یافته، منابع ملی را هدر می‌دهد و مانع از تخصیص بهینه سرمایه برای تولید و توسعه می‌شود.

حل آسیب‌های اجتماعی نیازمند هماهنگی نهادها

مدیریت آسیب‌های اجتماعی تنها با نگاه سیستمی، برنامه‌ریزی محله‌محور و مشارکت همگانی ممکن است

نشاط‌آور، ورزشی، تفریحی و فرهنگی برای نوجوانان و جوانان شود. برنامه‌های مستمر آموزشی و پیشگیرانه، سرمایه‌گذاری برای شهر سالم و شهروند فعال تلقی می‌شوند. جنگلی با اشاره به ابلاغیه رهبری درباره زدودن جلوه‌های آشکار فقر و آسیب از محلات کم‌برخوردار، آن را اقدامی کلیدی در کاهش گسترش آسیب‌ها می‌داند. کاهش تاب‌آوری و آستانه تحمل مردم در برخی مناطق نشان می‌دهد که تأثیر عوامل آسیب‌زا در لایه‌های مختلف فردی و اجتماعی ریشه دوانده و مقابله با آن تنها با اقدامات جزیره‌ای امکان‌پذیر نیست.

هماهنگی و نقش نهادها

جنگلی بر ضرورت تدوین سند جامع راهبردی تأکید دارد تا تمامی نهادها و دستگاه‌ها در چارچوبی منسجم و هماهنگ فعالیت کنند. او تأکید کرد

در دنیای امروز، جوامع در سطوح محلی، شهری و روستایی با طیفی از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو هستند که رشد و تعالی آن‌ها را با چالش جدی مواجه می‌کند. مهران جنگلی، فعال حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی، بر این باور است که مقابله مؤثر با این چالش‌ها نیازمند شناخت علمی و جامع عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی است. وی تأکید می‌کند که آسیب‌های اجتماعی حاصل یک عامل منفرد نیست، بلکه زنجیره‌ای از شرایط و عوامل متقاطع زمینه‌ساز بروز این مسائل می‌شود و توجه همزمان به همه این عوامل، کلید ارتقای تاب‌آوری جامعه است.

پیشگیری و آگاه‌سازی کلیدی

به گفته این فعال حوزه مسائل اجتماعی، پیشگیری باید محور اصلی برنامه‌ریزی اجتماعی باشد و بیشترین منابع باید صرف ایجاد فضاهای